

نخستین شماره **مهرایران** را با مهر به ایران و اندیشه های ایرانی باز می‌گشاییم. «مهرایران» را همچون یک واژه نوشتیم. نه مهر و ایران، زیرا که مهر از ایران نمی‌تواند جدا باشد. ایران است و مهرش در دل تک تک ما: ما که دیروز آمدیم، سال پیش آمدیم یا سالهای پیشتر. مهرایران به جداماندگی ما از آن سرزمین مهربان مادری نگاه می‌کند و می‌کوشد تا آنجا که در توان دارد نیازهای فرهنگی این جداماندگی را که به آن کوچ یا مهاجرت نام داده‌اند، برآورد.

آنانکه با نویسنده این یادداشت آشنایی بیشتری دارند، می‌دانند که سالها پیش نزدیک به ۱۷ سال پیش ماهنامه ای با نام مهر ایران را سردبیری می‌کرد. آن ماهنامه که به کوشش شماری از یاران آنروز چاپخش می‌شد بیش از سالی نپایید و ما تنها توانستیم هزینه های یک کارمند را هم تایپ می‌کرد هم برگه آرابی و کارمندی که برای ماهنامه، آگهی از این و آن می‌گرفت، بدهیم. آن ماهنامه مانند بیشتر هفته نامه ها یا ماهنامه هایی که این روزها به فراوانی در این سرزمین (و دیگر سرزمین هایی که کوچنده های ایرانی در آنجاها روزگار می‌گذرانند) دیده می‌شود، کشتکولی بود از همه چیز از همه جا. زیرا که در آن کارگرچه من سردبیر بودم، ناگزیر پیرو گروهی بودم که بر آن کار کمر گروهی بسته بودند.

ناگفته نمی‌گذارم که تا پیش از آن در شهر تورونتو تنها یک ماهنامه «چاغ و چلله» که بیشتر شایسته نام آگهی نامه بود در می‌آمد و به جز آن چند ماهنامه یا هفته نامه و حتی روزنامه بود که در میان آنان تنها می‌توان از سپیدار دور نخست به سردبیری ساسان قهرمان و ماهنامه سایبان به همت حسن زهری و نسرين الماسی (گردانندگان کنونی شهروند) یاد کرد که گردانندگان آنها اهل فن بودند. این دو نشریه به ادبیات و فرهنگ و سیاست می‌پرداختند و جا دارد از آنها در جایگاه نشریه هایی حرفه ای به نیکی و شایستگی یاد کنیم که از گشایندگان

و پیشاهنگان این راه بودند. نخستین شماره مهر ایران که در آمد آقای منصورزاده ناشر و یکی از مدیران انتشارات شهروند لوگوی شهروند را به من نشان داد و گفت ما هم می‌خواستیم ماهنامه ای دربیاوریم اما اکنون که شما پیشدستی کرده اید در آورده اید ما آنرا کنار می‌گذاریم. آنروز من با سپاس از خودگذشتگی وی به او گوشزد کردم که نیازی به این کار نیست و هردو ماهنامه می‌توانند کنار هم منتشر شوند و به گفته ای فضای رقابت سالم ساخته شود. اما وی پافشاری کرد که نه. با پایان کار مهر ایران، کارمند فنی ما به شهروند پیوست و شهروند از آن تاریخ با سرمایه مناسب و توانایی های بهتر و دفتر و تشکیلات به کار خود آغازید و در نزدیک به دو دهه توانست یکی از ماهنامه ها و سپس هفته نامه های با ارزش این شهر شود. از همینرو بی‌جا نیست که ما یاران آنروز مهر ایران بر خود بیالیم که پیشگام راهی بودیم که امروز در بیکر شهروند دیده می‌شود. در این دو دهه بسیاری از اهل قلم در این شهر و دیگر شهرهای جهان با شهروند همکاری کرده‌اند که از آن میان نویسنده این یادداشت نیز بر خود می‌بالد که از همکاران نزدیک آن بوده است.

اما نیازهای امروز جامعه بالنده ایرانی در کوچ نیازهای تازه ای است. امروز پس از نزدیک به ده دهه نسلی در اینجا بزرگ شده است که ریشه هایش در ایران است اما از فرهنگی جدامانده از فرهنگ مادری بر می‌گیرد. فرهنگ میزبان را می‌گویم. نه که این فرهنگ بد باشد. این فرهنگ به خودی خود فرهنگی است پیشرفته که بن و زاد آن مردمسالاری غربی است و ریشه در منشور حقوق بشر جهانی دارد. اما ما مهرایرانی ها می‌کوشیم از آن تنه استوار و تنومند فرهنگ سرزمین مادری خود و از آن ریشه های ژرف بنوشیم و سرسبز شویم و به کار گسترش تازگی و تری و سرسبزی جهان که فرزانه بزرگ ایران زمین، زرتشت، آنرا فرشکرد (تازه گردانی) می‌نامد، یاری رسانیم.

مهرایران در نخستین گامها ماهنامه خواهد بود و باشد که به یاری فرهنگ دوستان بتوانیم آنرا هر هفته به دوستاران ارمغان کنیم. این فرآورده فرهنگی از راه شبکه جهانی اینترنت نیز در دسترس خوانندگان است.

برآنیم که آگهی های مهرایران را از میزان پذیرفتنی بالاتر نبریم. شماری بسیاری از

آگهی دهنده ها گمان می‌کنند که هرچه آگهی آنها بزرگتر باشد، بیشتر و بهتر کار خواهد کرد. با اینهمه ما به پشتیبانی آراینده برگه های ماهنامه که از هنرمندان و گرافیکست های نامدار جهانی است (سیراک ملکانیان) و به یاری تاشنیک (تکنیک) او آنها را دلپذیرتر و دیدنی تر کنیم.

درباره آگهی ها بسنده است به این نکته نگاه کنیم که هنگامیکه هر کس کوشد بلندتر از آن دیگری کالایش را فریاد کند. خریداران خسته از دادوغال. از بازار دادوستد دوری خواهند گزید اما هنگامیکه کالاها به شیوه ای دلپذیر ارمغان شود. خریداران با شیفتگی به بازار روی خواهند کرد. این نکته درباره آگهی در روزنامه ها یا هفته نامه ها بسی درست می‌نماید.

مهرایران از رویکرد سیاسی ویژه ای جانبداری نمی‌کند. با اینهمه همراه همه اندیشمندان و کنشگران و کارگزاران فرهنگی در راستای حقوق برابر برای همه مردم کوشا خواهد بود. از آنجا که دست کم هم اکنون، این نوشته ها ماهی یکبار به دست خوانندگان می‌رسد، می‌کوشیم گزارش رویدادهای سیاسی جهان و ایران را به زمانی واگذار کنیم که هم از دیدگاه زمانی و هم از دیدگاه توانایی هایمان، پژواک این رویدادهای با شیوه ای در خور یک نهاد فرهنگی باشد و نه از روی چشم هم چشمی. کوشش خواهیم کرد هر ماه نگاهی کلی به رویدادهای آن ماه بیافکنیم. هرچند با وجود شبکه جهانی اینترنت و تیزتازی ابزارهایی از ایندست مانند رادیو و تلویزیون و ماهواره، چندان نیازی به آن (دست کم هم اینک) نمی‌بینیم.

آرمان ما اینست که آن پیکره ی زیبای فرهنگ والای ایرانی را برای جوانان خود چنان بازماییم تا بیهوده در پی سراپه های فریبنده توانهای راستین خود را نفرسایند. باشد همچنانکه پارسیان (ایرانیان کوچیده به هند) با وجود شمار اندک خود (کمابیش نزدیک به ۲۰۰ هزارتن در سراسر جهان) از نیروهای تعیین کننده فرهنگ و جامعه هند اند. ایرانیان کوچیده امروز نیز در جهان نگاهبان استانده ها (معیارها)ی فرهنگ راستین ایران باشند. ای‌دون باد!

آموزه های زرتشت زن و مرد را برابر و دارای حقوق یکسان می‌شناسد.